



Research Paper

Re-examining the Doctrine of Resistance in Light of the Qur'anic Strategy of "Jihad Kabir"

Mehdi Arefijoo^١

Received: ١١/٠٤/٢٠٢٢; Accepted: ٠٨/٠٢/٢٠٢٣.

Abstract:

Jihad, as one of the fundamental and strategic concepts in the Islamic epistemological system, encompasses various dimensions and arenas that go far beyond its conventional reduction to armed combat. Among the types of jihad, the Qur'anic expression "Jihad Kabir" (the Great Jihad)—which, in contrast to the more commonly recognized dichotomy of Greater (Akhbar) and Lesser (Asghar) Jihad, has received less systematic scholarly attention—holds exceptional significance. This study aims to precisely contextualize Jihad Kabir within the conceptual system of jihad and to elucidate its strategic role in shaping the theory of resistance as a model for political-cultural action.

The central question of this research is: What is the true nature of Jihad Kabir, and how can it, as a macro-level strategy, deepen and operationalize the theory of resistance against hegemonic systems? Using a descriptive-analytical method and building upon exegetical, narrative, and discourse analysis sources, the study demonstrates that Jihad Kabir is a form of non-violent struggle and a subset of the Lesser Jihad (combat against external enemies), whose essence lies in non-compliance with disbelievers and active steadfastness in the 'battle of wills.' The Qur'an and the logic of divine revelation constitute its principal tools, rendering it the beating heart and backbone of the doctrine of resistance, and establishing it as a fundamental strategy for countering the enemy's hybrid warfare in political, cultural, and economic domains. In conclusion, the article offers research and practical recommendations for deepening and actualizing this Qur'anic strategy.

Keywords: Jihad Kabir, theory of resistance, non-compliance, Lesser Jihad, cultural jihad.

^١ . Ph.D. Graduate in Theology, Allameh Askari International University, Qom, Iran: iran.farda\١٤@gmail.com



مقاله پژوهشی

بازخوانی دکتین مقاومت در پرتو راهبرد قرآنی جهاد کبیر

مهدی عارفی جو^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

چکیده

جهاد به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین و راهبردی در منظومه معرفتی اسلام، دارای ابعاد و ساحت‌های گوناگونی است که فراتر از تقلیل آن به معنای مصطلح قتال است. در میان اقسام جهاد، تعبیر قرآنی جهاد کبیر که در مقایسه با دوگانه مشهور جهاد اکبر و جهاد اصغر کمتر مورد مذاقه نظام‌مند قرار گرفته، از اهمیتی استثنائی برخوردار است. این پژوهش با هدف جایگاه‌شناسی دقیق جهاد کبیر در نظام مفهومی جهاد و تبیین نقش استراتژیک آن در مهندسی نظریه مقاومت به مثابه یک الگوی کنش سیاسی-فرهنگی، به تحلیل این مفهوم پرداخته است.

مسئله اصلی پژوهش آن است که ماهیت جهاد کبیر چیست و چگونه می‌تواند به عنوان یک راهبرد کلان، نظریه مقاومت در برابر نظام سلطه را تعمیق و عملیاتی سازد؟ این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع تفسیری، روایی و تحلیل گفتمان، به این نتیجه دست می‌یابد که جهاد کبیر، نوعی مجاهدت غیرنظامی و زیرمجموعه جهاد اصغر (مبارزه با دشمن بیرونی) است که ماهیت آن بر عدم اطاعت از کفار و پایداری فعال در جنگ اراده‌ها استوار است. این جهاد که ابزار اصلی آن قرآن و منطق وحیانی است، به مثابه قلب تپنده و ستون فقرات نظریه مقاومت عمل کرده و راهبرد اساسی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی محسوب می‌شود. در پایان، پیشنهادهایی در دو سطح پژوهشی و اجرایی جهت تعمیق و عینیت‌بخشی به این راهبرد قرآنی ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: جهاد کبیر، نظریه مقاومت، عدم اطاعت، جهاد اصغر، جهاد فرهنگی.



در منظومهٔ تعلیم اسلامی، جهاد یکی از متعالی‌ترین مفاهیم و اساسی‌ترین ارکان حفظ و اعتلای جامعه اسلامی است. با این حال، گسترهٔ معنایی این واژه غالباً به جهاد نظامی (القتال) به‌عنوان مصداق جهاد اصغر فروکاسته شده و از سوی دیگر، جهاد اکبر (مبارزه با نفس) نیز عمدتاً در ساحت فردی و اخلاقی محصور مانده‌است. در این میان، یک مفهوم قرآنی منحصر به فرد با عنوان جهاد کبیر (نک: الفرقان، ۵۲) وجود دارد که علی‌رغم اهمیت راهبردی آن، در ادبیات پژوهشی اسلامی به‌صورت مستقل و نظام‌مند کمتر کانون توجه بوده است. آیه شریفه ﴿فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً﴾ جهادی بزرگ را در پیوندی ناگسستنی با عدم اطاعت از کافران معرفی می‌کند و آن را در سیاق مکی، یعنی پیش از تشریع جهاد نظامی، مطرح می‌سازد.

این امر، پرسش‌های بنیادینی را برمی‌انگیزد: ماهیت دقیق این جهاد بزرگ چیست؟ نسبت آن با جهاد اکبر و اصغر چگونه تعریف می‌شود؟ و چرا خداوند این نوع خاص از مجاهدت را با صفت کبیر توصیف نموده‌است؟ مسئله اصلی این پژوهش، کاوش در ماهیت مفهومی و جایگاه ساختاری جهاد کبیر و تبیین نقش استراتژیک آن به‌عنوان یک دکترین قرآنی برای مقاومت فعال در برابر نظام سلطه است. اهمیت این تحقیق از دو منظر نظری و عملی قابل تبیین است. از منظر نظری، تبیین دقیق جهاد کبیر به غنای ادبیات مطالعات قرآنی و اندیشهٔ سیاسی اسلام کمک کرده و خلأ پژوهشی موجود در این زمینه را مرتفع می‌سازد. این امر به ارائه یک چارچوب منسجم از اقسام جهاد و نسبت میان آن‌ها یاری رسانده و از تقلیل‌گرایی در فهم این فریضه الهی جلوگیری می‌کند. اما اهمیت عملی و کاربردی آن در شرایط کنونی جهان اسلام، دوچندان است. امت اسلامی و در رأس آن نظام جمهوری اسلامی ایران، درگیر یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و شناختی با استکبار جهانی است. در چنین فضایی، نیاز به یک دکترین جامع و کارآمد برای مقاومت فعال بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. جهاد کبیر با تأکید بر نفوذناپذیری و پایداری در جنگ اراده‌ها، دقیقاً همان راهبرد قرآنی است که می‌تواند نقشه راه مقابله با فشارهای خارجی و جنگ نرم دشمن باشد. لذا، بازخوانی و نظریه‌پردازی حول این مفهوم، یک ضرورت استراتژیک برای حفظ استقلال و پیشرفت جوامع اسلامی است.

اگرچه مفسران در ذیل آیه ۵۲ سوره فرقان به این مفهوم اشاراتی داشته‌اند، اما اغلب این اشارات، گذرا و فاقد یک تحلیل نظام‌مند بوده‌اند. نوآوری اصلی این پژوهش در سه وجه است:

نخست، تلاش برای جایگاه‌شناسی دقیق جهاد کبیر در منظومهٔ اقسام جهاد و ارائه یک ساختار درختی منسجم بر اساس معیار متعلق جهاد.

دوم، پیوند نظام‌مند و ارگانیک میان مفهوم جهاد کبیر و نظریه مقاومت به‌عنوان یک کلان‌گفتمان در اندیشه سیاسی معاصر انقلاب اسلامی.

سوم، ارائه جهاد کبیر نه صرفاً به‌عنوان یک مفهوم تفسیری، بلکه به‌منزله یک راهبرد عملیاتی با قابلیت کاربست در عرصه‌های گوناگون مقابله با دشمن.

این پژوهش با رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته‌است. در بخش گردآوری داده‌ها، از منابع کتابخانه‌ای، شامل تفاسیر معتبر فریقین، متون روایی، کتب لغت و آثار مرتبط با اندیشه سیاسی اسلام استفاده شده‌است. در مرحله تحلیل، با استفاده از روش تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، به بررسی معناشناختی و کاربردشناختی واژه جهاد کبیر در پرتو سیاق آیات، شأن نزول و هم‌نشینی با مفاهیم کلیدی دیگر پرداخته شده‌است.

ساختار این مقاله پس از مقدمه، در چهار بخش اصلی سازماندهی شده‌است: بخش نخست به پیشینه پژوهشی و تاریخی موضوع می‌پردازد. بخش دوم، به تحلیل مفهومی و جایگاه‌شناسی جهاد کبیر در منظومه اقسام جهاد اختصاص دارد. بخش سوم، نقش راهبردی جهاد کبیر در مهندسی نظریه مقاومت را تبیین می‌کند. و در بخش پایانی، ضمن جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، پیشنهادهایی در دو سطح پژوهشی و اجرایی ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

بررسی متون اسلامی نشان می‌دهد که مفهوم جهاد کبیر در مقایسه با دوگانه مشهور جهاد اکبر / اصغر، که ریشه در حدیث نبوی مشهور پس از بازگشت از یکی از غزوات دارد، از پیشینه پژوهشی بسیار محدودتری برخوردار است.

در سنت تفسیری، مفسران متقدم و متأخر در ذیل آیه ۵۲ سوره فرقان، به فراخور مشرب تفسیری خود، به آن پرداخته‌اند. گروهی از مفسران همچون طبری و طبرسی، با توجه به ضمیر "به"، آن را به‌معنای جهاد با ابزار قرآن و اقامه حجت و برهان دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۷۳/۷). این نگاه، جهاد کبیر را مصداقی از جهاد علمی و فرهنگی تلقی می‌کند. گروه دیگری از مفسران، با تمرکز بر عبارت «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ»، ماهیت این جهاد را در نفس عدم تبعیت و مقاومت در برابر خواسته‌های کفار جستجو کرده‌اند که این رویکرد در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (عج) به او کمال و برجستگی خود رسیده است.

در ادبیات حدیثی، به‌جز متن قرآن، این تعبیر به‌صورت مستقل کمتر به کار رفته‌است، اما مضمون آن یعنی عدم اطاعت از کفار و مقاومت فرهنگی، در سیره و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به‌وفور یافت می‌شود؛ به‌ویژه در سیره ۱۳ ساله پیامبر (ص) در مکه که نمونه کامل این جهاد است.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در گفتمان انقلاب اسلامی



بازخوانی دکتربین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر



در پژوهش‌های معاصر، اغلب تحقیقات متمرکز بر ابعاد فقهی یا تاریخی جهاد نظامی یا ابعاد عرفانی جهاد اکبر بوده‌اند. مقالات و کتب مستقلی که جهاد کبیر را به‌عنوان کانون اصلی پژوهش خود برگزیده باشند، بسیار نادر است. اغلب، به‌صورت ضمنی و در خلال بحث از جهاد فرهنگی یا سیاسی به آن اشاره شده‌است. این در حالی است که در دههٔ اخیر، به‌ویژه پس از تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب، این مفهوم وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی شده و ضرورت کاوش آکادمیک در ابعاد آن بیش از پیش آشکار گشته‌است. بنابراین، پژوهش حاضر تلاش دارد تا این خلأ را پر کرده و با ارائه یک تحلیل ساختاری و راهبردی، گامی نو در این عرصه بردارد.

ضرورت پارادایم مقاومت در منظومه فکری اسلام

در کانون منظومهٔ فکری ادیان ابراهیمی و به‌ویژه دین مبین اسلام، اصل بنیادین توحید قرار دارد که به مثابه ستون فقرات هویت دینی، مستلزم نفی هرگونه شرک و عبودیت غیر خداوند است. این اصل، صرفاً یک گزاره اعتقادی محض نیست، بلکه یک دکترین کنش‌گرایانه و تمدن‌ساز است که در بُعد اجتماعی و سیاسی خود، به نفی هرگونه سلطه و پذیرش ولایت طواغیت می‌انجامد. از این منظر، مقاومت در برابر کفر و عدم تسلیم در مقابل دشمنان خدا، نه یک انتخاب تاکتیکی، بلکه یک ضرورت راهبردی و ذاتی برآمده از هستهٔ مرکزی آموزه‌های وحیانی به‌شمار می‌رود. قرآن کریم با صراحت لهجه‌ای بی‌بدیل، بر ماهیت آشتی‌ناپذیر نزاع میان جبهه حق و باطل تأکید ورزیده و هرگونه خوش‌بینی ساده‌انگارانه نسبت به نیت دشمنان را مردود می‌شمارد:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا...﴾ (البقره: ۲۱۷)، ﴿وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ...﴾ (همان: ۱۲۰).

این آیات شریفه، بیانگر یک سنت تاریخی و تقابل ماهوی است که بر اساس آن، رضایت جبهه استکبار تنها در سایه دست‌کشیدن امت اسلامی از هویت دینی و استقلال خویش حاصل می‌شود.

فراتر از این مبنای الهی، اصل دفاع و مقاومت در برابر تهاجم و زیاده‌خواهی، امری منطبق بر حکم قطعی عقل و ندای زلال فطرت انسانی است. هر موجود زنده‌ای به حکم غریزه، از کیان و هستی خود دفاع می‌کند و عقل سلیم نیز حکم می‌کند که در برابر تهدید و تلاش برای نابودی، ایستادگی امری بایسته و ضروری است. در این میان، منظر قرآن کریم برای عملیاتی‌سازی این دکترین، راهبردی مشخص و متمایز را معرفی می‌کند که تحت‌عنوان جهاد کبیر در آیه ۵۲ سوره مبارکه فرقان تبلور یافته‌است.

بی‌تردید، در جهان معاصر که به‌واسطه توسعه سرگیجه‌آور فناوری‌های ارتباطی، به دهکده‌ای جهانی با مناسبات قدرت پیچیده و اشکال نوین خصومت تبدیل شده‌است، فهم مصادیق و ابزارهای جهاد نیز نیازمند بازنگری و تعمیق است. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه‌السلام تأکید دارند، دفاع همواره محدود به ابزارهای سخت و قهریه نیست: گاهی دفاع، با فهمیدن است. گاهی دفاع، با زبان است. گاهی

دفاع از حقیقت، با حضور در جایی است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۶). این سخن، افق جدیدی را برای فهم ابعاد نرم و فرهنگی مقاومت و جهاد می‌گشاید که در ادامه به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

تبارشناسی و ابعاد نظریه مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی

مفهوم مقاومت که در تقابل مستقیم با رویکردهایی نظیر سازش‌پذیری، انفعال و تسلیم تعریف می‌شود، یکی از شاخصه‌های اصلی و هویت‌بخش حرکت انقلابی مردم ایران بوده است. این نظریه که پس از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی به یک الگوی موفق و الهام‌بخش در عرصه بین‌المللی بدل گشته، تأثیرات عمیقی بر ژئوپلیتیک منطقه و نظریه‌های روابط بین‌الملل نهاده است. ظهور رهیافت‌های هویت‌گرا و تأکید بر نقش بازیگران غیردولتی و گروه‌های اجتماعی در سیاست جهانی، از جمله پیامدهای این پارادایم نوین است (دهشیری، ۱۳۹۲: ۵۵).

نظریه مقاومت، صرفاً یک واکنش منفعلانه یا دفاع صرف نیست، بلکه ترکیبی پویا از آرمان‌گرایی مبتنی بر اعتقاد و قابلیت‌های عملیاتی و ابزاری است. ریشه‌های این نظریه را می‌توان در آموزه‌های صریح قرآن کریم جستجو کرد؛ آنجا که خداوند به پیامبرش دستور به استقامت می‌دهد: ﴿فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ...﴾ (الشوری: ۱۵). این استقامت، در کنار ماهیت سلبی اسلام در مبارزه بی‌امان با ظلم و سُلطه، چارچوب کلی حرکت نظام انقلابی را در مسیر سلطه‌ستیزی و حمایت از مستضعفان جهان ترسیم می‌کند. این همان اصلی است که امام خمینی رحمه‌الله با قاطعیت آن را اعلام نمودند:

«ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ ش: ۸۷/۲۱).

این بیان، روح حاکم بر نظریه مقاومت را که همانا دفاع از کرامت انسانی و ارزش‌های توحیدی است، به نمایش می‌گذارد. مقاومت پویا و فعال برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی، بر دو پایه استوار است: شعار هیئات منا الذله که ریشه در نهضت عاشورا دارد و بر دفاع از عزت و کرامت انسانی تأکید می‌کند، و اصل کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا که به مبارزه با ظلم، زمان و مکانی نامحدود می‌بخشد و آن را به یک فرهنگ مستمر تبدیل می‌کند. در همین راستا، رهبر معظم انقلاب اسلامی رحمه‌الله با درک دقیق از ترفندهای نظام سلطه برای ایجاد تزلزل در اراده ملت‌های مبارز، بر ضرورت تبیین نظریه مقاومت تأکید کرده و می‌فرمایند:

«جوانان در محیط‌های مختلف هدف اصلی استکبار یعنی سلطه‌طلبی را تبیین کنند تا ضرورت و صحت نظریه مقاومت، به خوبی نمایان و درک شود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷).



فصلنامه اندیشه مقاومت

در گفتمان انقلاب اسلامی



۹

بازخوانی دکترین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر



ایشان این نظریه را هم در ساحت تئوری و هم در عرصه عمل، متقن و صحیح دانسته و بر استمرار آن در نسل‌های آینده تأکید می‌ورزند، چراکه ماهیت استکبار، سیطره‌جویی است و تا زمانی که این ماهیت پابرجاست، تقابل و دشمنی نیز وجود خواهد داشت (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷). امروزه، این نظریه از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و به‌عنوان یک الگوی کارآمد برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و قوانین استعماری نظام سلطه، ملت‌های تحت ستم را به بازیگری فعال در عرصه جهانی بدل ساخته‌است.

واکاوی لغوی و اصطلاحی مفهوم جهاد

برای درک عمیق راهبرد جهاد کبیر، نخست باید به سراغ ریشه‌شناسی و تحلیل لغوی واژه جهاد رفت. در کتب لغت، واژه جهاد (به فتح جیم) به‌معنای زمین سخت و ناهموار آمده است (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ۴۶۱/۲؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ۴۸۷/۱؛ زمخشری، ۱۴۱۷ ق، ۲۱۶/۱). اما واژه مورد بحث، جهاد (به کسر جیم)، مصدر باب مفاعله از ریشه ج-ه-د است. از این ریشه، دو واژه جهْد (به فتح جیم) و جُهْد (به ضم جیم) در قرآن کریم نیز به کار رفته‌اند، مانند: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ﴾ (المائدة: ۵۳)؛ ﴿لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ﴾ (التوبة: ۷۹).

لغویان در تبیین تفاوت این دو واژه، دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی جهْد را به‌معنای مشقت و سختی (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۳۸۶/۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ۴۸۷/۱) و نهایت کوشش (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۳۸۶/۳) دانسته‌اند، در حالی که جهْد را به طاق و توان معنا کرده‌اند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ۴۸۷/۱؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ۱۱۲/۲؛ ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ۳۱۹/۱). برخی نیز هر دو را به یک معنا، یعنی طاق و توان، گرفته‌اند (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ۴۶۰/۲). راغب اصفهانی ضمن اشاره به این تفاوت‌ها، جهْد را لغت اهل حجاز و جهْد را لغت غیر حجاز می‌داند که هر دو بر توان و طاق دلالت دارند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۰۱). با جمع‌بندی این آراء، می‌توان گفت هسته معنایی ریشه ج-ه-د حول مفاهیمی چون به کار گرفتن نهایت توان، تحمل مشقت و سختی و کوشش طاق و فرسا برای رسیدن به یک هدف دور می‌زند. نکته حائز اهمیت دیگر، قرار گرفتن این ریشه در باب مفاعله است که معمولاً بر مشارکت و تقابل دلالت دارد و معنای مبالغه را نیز در خود نهفته دارد (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۶۷، ۳۱۹/۱). این ساختار صرفی نشان می‌دهد که جهاد غالباً در شرایطی رخ می‌دهد که یک طرف در برابر طرف دیگری قرار گرفته و هر یک با تمام توان برای غلبه بر دیگری تلاش می‌کند. این معنای لغوی، پیوندی عمیق با معنای اصطلاحی آن برقرار می‌سازد. واژه جهاد با ظهور اسلام، در پرتو مفاهیم قرآنی، تحول معنایی شگرفی یافت و از دامنه‌ای وسیع برخوردار شد که عرصه‌های گوناگون نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و علمی را در بر می‌گیرد. هرگاه این تلاش طاق و فرسا در مسیر الهی و برای تحقق اهداف متعالی آفرینش صورت پذیرد، ارزشی مقدس یافته و به‌عنوان جهاد فی سبیل‌الله شناخته می‌شود (المائدة: ۳۵؛ التوبة: ۲۰).

بنابراین، قلمرو مصداقی جهاد، مفهومی سیال و متناسب با شرایط زمانی و مکانی است و هر تلاشی برای اصلاح جامعه و اقامه ارزش‌های الهی، از انفاق مال تا ایثار جان، می‌تواند مصداقی از این فریضه بزرگ تلقی شود.

کاربردشناسی واژه جهاد در سپهر آیات قرآنی

تحلیل کاربردشناسی یک واژه در متن قرآن کریم، پنجره‌ای به سوی درک ابعاد عمیق و لایه‌های معنایی آن می‌گشاید. بسامد بالای واژه جهاد و مشتقات آن در قرآن کریم، خود به تنهایی گواهی بر اهمیت محوری این مفهوم در نظام اندیشه اسلامی است. ریشه (ج-ه-د) در مجموع ۴۱ مرتبه در ۳۶ آیه از ۱۹ سوره قرآن به کار رفته است. این استعمالات از نظر صرفی بسیار متنوع است: ۶ مرتبه به صورت فعل ثلاثی مجرد، یک مرتبه در هیئت جَهْد: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ...﴾ (التوبه: ۷۹)، پنج مرتبه در هیئت جَهْد: ﴿...أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ﴾ (المائدة: ۵۳؛ الانعام: ۱۰۹؛ النحل: ۳۸؛ النور: ۵۳؛ فاطر: ۴۲) و ۳۵ مرتبه نیز در هیئت‌های گوناگون باب مفاعله (چهار بار مصدر، چهار بار اسم فاعل، پانزده بار فعل ماضی، پنج بار فعل مضارع و هفت بار فعل امر).

مطالعه دقیق این کاربردها نشان می‌دهد که میدان معنایی جهاد در قرآن بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که در نگاه نخست به ذهن متبادر می‌شود. این کاربردها را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد:

- جهاد به معنای لغوی (کوشش طاقت‌فرسا): در برخی آیات، واژه جهاد دقیقاً در معنای لغوی خود، یعنی اعمال فشار و به کار بستن نهایت تلاش برای وادار کردن دیگری به امری، به کار رفته است. آیه شریفه ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا﴾ (العنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱۵) نمونه بارز این کاربرد است. در اینجا، این والدین مشرک هستند که علیه فرزند مؤمن خود جهاد می‌کنند تا او را به شرک وادارند. این استعمال نشان می‌دهد که ماهیت فعل جهاد (تلاش سخت) خنثی است و جهت‌گیری ارزشی آن به هدف و فاعل آن بستگی دارد.
- جهاد به معنای مبارزه با دشمن بیرونی: این معنا، که شامل قتال و نبرد نظامی نیز می‌شود، شناخته‌شده‌ترین کاربرد جهاد است. اما حتی در این حوزه نیز قرآن کریم دایره را وسیع‌تر از صرفاً درگیری فیزیکی می‌بیند. آیه ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ﴾ (الصف: ۱۱؛ همچنین: النساء: ۹۵؛ التوبه: ۸۸) به وضوح نشان می‌دهد که مبارزه با دشمن خارجی در دو عرصه مالی و جانی صورت می‌پذیرد که هر یک می‌تواند مصادیق گسترده‌ای از جهاد اقتصادی تا جهاد نظامی را در بر گیرد. این نوع جهاد، مبارزه‌ای همه‌جانبه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی است.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



بازخوانی دکترین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر



• جهاد به معنای مبارزه با دشمن درونی (جهاد نفس): در دسته‌ای دیگر از آیات، مفهوم جهاد به یک عرصه درونی و باطنی توسعه داده شده و شامل مبارزه با هر عامل بازدارنده از مسیر حق، همچون نفس اماره و وسوسه‌های شیطانی، می‌شود. این همان معنایی است که در روایات نبوی از آن به جهاد اکبر تعبیر شده است (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۴۶۹). آیاتی نظیر: ﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ﴾ (العنکبوت: ۶) و به‌ویژه آیه شریفه ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ (الحج: ۷۸) از سوی بسیاری از مفسران بزرگ، به معنایی اعم که هم جهاد با دشمن بیرونی و هم جهاد با دشمن درونی را شامل می‌شود، تفسیر شده‌اند (طوسی، بی تا، ۳۴۴/۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۴۱۱/۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۶۵/۶۷).

بنابراین، گرچه امروزه قتال به عنوان مصداق بارز جهاد شناخته می‌شود، اما کاربردشناسی قرآنی نشان می‌دهد که قتال تنها یکی از زیرشاخه‌های جهاد است. جهاد یک مفهوم کلان و چندبعدی برای هر نوع کوشش طاقت‌فرسا در راه خداست، چه این تلاش در میدان نبرد نظامی باشد، چه در عرصه فرهنگ و اندیشه و چه در میدان مبارزه با امیال نفسانی.

جهاد کبیر؛ مفهوم‌شناسی یک راهبرد مغفول قرآنی

در کنار اصطلاحات رای جهاد اصغر (مبارزه با دشمن بیرونی) و جهاد اکبر (مبارزه با دشمن درونی)، قرآن کریم از تعبیر منحصر به فرد سومی نیز پرده برمی‌دارد: جهاد کبیر. خداوند متعال در آیه ۵۲ سوره فرقان می‌فرماید: ﴿فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾. این تعبیر، که پیامبر اعظم ﷺ و بالتبع امت اسلامی را به آن فرا می‌خواند، گونه‌ای خاص از جهاد است که به نسبت دو قسم دیگر، از شهرت کمتری برخوردار بوده و در پژوهش‌های اسلامی کمتر به صورت مستقل مورد واکاوی قرار گرفته است. با وجود آنکه در سال‌های اخیر، رهبر معظم انقلاب اسلامی ﷺ با تأکیدات مکرر بر این مفهوم، آن را به کانون توجهات در گفتمان سیاسی و دینی معاصر بازگردانده‌اند، اما باید اذعان کرد که جهاد کبیر به عنوان یک سرفصل مستقل و راهبردی، همچنان در ادبیات تفسیری، فقهی و حدیثی مغفول مانده و پیشینه پژوهشی قابل توجهی ندارد. عمده مباحث موجود، به صورت پراکنده در ذیل تفاسیر این آیه شریفه یافت می‌شود.

بسیاری از مفسران، جهاد کبیر را به معنای مجاهدت در عرصه‌های نرم، یعنی جهاد فکری، علمی، فرهنگی و اعتقادی تفسیر کرده‌اند. بر این اساس، تلاش عالمان و اندیشمندان اسلامی برای پاسخ‌گویی به شبهات، تبیین معارف دینی و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، مصداق بارز و ارزشمند این جهاد است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۷۳/۷؛ آلو سی، ۱۴۱۵ ق، ۳۳/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۲۲/۱۵). در این پارادایم، سلاح نبرد دیگر ابزارآلات جنگی نیست، بلکه نرم‌افزارهای فکری و فرهنگی است که قادر به قوام‌بخشی به هویت جامعه و ایمن‌سازی آن در برابر نفوذ دشمن باشد. هدف در جهاد کبیر، نه تصرف

سرزمین، که تسخیر قلوب و اذهان و تقویت بنیان‌های اعتقادی جبهه توحید است تا جامعه اسلامی در برابر سیاست‌های فریبکارانه دشمن، دچار تزلزل و مرعوبیت نگردد.

تأملی بر تفاسیر جهاد کبیر با محوریت تحلیل‌های هرمنوتیک

برای رمزگشایی دقیق از مفهوم جهاد کبیر، باید به سراغ خود آیه و قرائن متنی و فرامتنی آن رفت. تحلیل تفاسیر مختلف حول این آیه، ما را به فهم عمیق‌تری از این راهبرد قرآنی رهنمون می‌سازد.

الف) تحلیل وجوه مختلف تفسیری بر اساس مرجع ضمیر در جَاهِدُهُمْ بِهِ

کانون اصلی اختلاف تفاسیر، در تعیین مرجع ضمیر "ه" در عبارت جَاهِدُهُمْ بِهِ نهفته است. در این زمینه، اقوال متعددی مطرح شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. قرآن: این مشهورترین دیدگاه در میان مفسران است. طبق این نظر، ابزار اصلی جهاد کبیر، خود قرآن کریم است. یعنی مجاهدت از طریق تبیین منطق استوار، معارف بلند و حجت‌های قاطع قرآن صورت می‌گیرد (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۱۵/۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۲۲۸/۱۵؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ۱۱۷/۸). علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد که پیامبر ﷺ مأمور است تا با به کار بستن نهایت جد و جهد خود، به وسیله قرآن با کفار اتمام حجت نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۲۲۸/۱۵).

۲. عدم اطاعت (مستفاد از نهی): گروه قابل توجهی از مفسران و قرآن‌پژوهان، مرجع ضمیر را عدم اطاعت که از جمله پیشین یعنی فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ فهمیده می‌شود، دانسته‌اند. بر این اساس، جهاد کبیر یعنی ایستادگی و مقاومت بر سر موضع عدم تبعیت از کافران (ر. ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۸ ق، ۷۵۹/۱؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ ق، ۴۳۴/۵؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ۶۲/۴). برخی به این دیدگاه اشکال کرده‌اند که ترک اطاعت یک امر سلبی و منفعلانه است و با مفهوم پویا و کنشگرانه جهاد سازگاری ندارد (ابومسعود، بی‌تا، ۲۲۵/۶). در پاسخ می‌توان گفت که این نگاه، سطحی و ظاهری است. عدم تبعیت در یک بستر راهبردی، خود یک کنش فعالانه و هزینه‌زاست که نیازمند مجاهدت و پایداری عظیم است، همان‌طور که در مراتب بالای امر به معروف و نهی از منکر نیز، اعراض و عدم همکاری، یک ابزار کنشگرانه محسوب می‌شود.

۳. مفاهیم دیگر: احتمالات دیگری چون اسلام (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ ق، ۲۷۰۷/۸)، شمشیر (سیف) (ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ۱۱۷/۸) و مفهوم مستفاد از آیه قبل مبنی بر جهانی بودن رسالت پیامبر (ص) (ابوالسعود، بی‌تا، ۲۲۵/۶) نیز مطرح شده که به دلیل ضعف استنادی یا ناسازگاری با دیگر قرائن، از مقبولیت کمتری برخوردارند.

ب) دلالت‌شناسی جهاد کبیر بر اساس قرینه زمان نزول (سیاق مکی)



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



بازخوانی دکترین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ (الأحزاب: ١) ﴿وَلَا تُطِعِ الْمُنَافِقِينَ﴾ (قلم: ٨)، ﴿وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا﴾ (الإنسان: ٢٤)، ﴿وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا﴾ (الكهف: ٢٨).

تحلیل این شبکه معنایی نشان می‌دهد که عدم اطاعت، صرفاً یک انفعال یا ترک فعل ساده نیست، بلکه یک مقاومت فعال در برابر فشارهای سیاسی، روانی و اجتماعی دشمن است. دشمن با ابزارهای گوناگون نظیر تهدید، تطمیع، شایعه‌پراکنی و جنگ روانی، تلاش می‌کند تا جبهه حق را وادار به

عقب‌نشینی و تبعیت نماید. در چنین شرایطی، پافشاری بر اصل عدم اطاعت خود به یک مجاهدت بزرگ و طاقت‌فرسا بدل می‌شود.

چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه‌السلام در تبیین آیه نخست سوره احزاب بیان داشته‌اند، فرمان لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ پس از دستور به تقوا آمده است تا نشان دهد که این عدم تبعیت، نیازمند مراقبت دائمی و خداترسی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳). خداوند می‌فرماید ما از فشارهایی که بر تو وارد می‌کنند آگاهیم (إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى مَا حَكِمًا)، اما راه مقابله، تکیه بر قدرت الهی است: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾.

بنابراین، جهاد کبیر در پرتو هم‌نشینی با لا تطع، به معنای پروژه عظیم و مستمر ایستادگی و نفوذناپذیری در برابر نظام سلطه و عدم پذیرش دیکته‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن است.

۲. تحدید میدان جهاد کبیر

هم‌نشینی دوم، واژه کافران است. آیه به صراحت می‌فرماید: جَاهِدُهُمْ یعنی با آنان (کافران) جهاد کن. این ضمیر به وضوح نشان می‌دهد که متعلق و طرف مقابل در جهاد کبیر، دشمن خارجی (جبهه کفر) است، نه دشمن داخلی (نفس اماره). این نکته، تمایز روشنی میان جهاد کبیر و جهاد اکبر ایجاد می‌کند.

بر این اساس، دیدگاه برخی که جهاد کبیر را با جهاد اکبر (جهاد با نفس) یکسان یا مشابه دانسته‌اند، با چالش جدی مواجه می‌شود. برای مثال، مرحوم طبرسی این احتمال را مطرح می‌کند که شاید مراد از جهاد اکبر در حدیث مشهور نبوی، همین جهاد فکری و فرهنگی باشد که در آیه از آن به جهاد کبیر تعبیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۷۳/۷). هرچند این دو از حیث بزرگی و اهمیت، شباهت دارند، اما از نظر متعلق و میدان مبارزه، متفاوتند. جهاد اکبر نبردی درونی با نفس است، در حالی که جهاد کبیر نبردی بیرونی با جبهه کفر در عرصه‌های غیرنظامی است.

همچنین، این هم‌نشینی، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای که جهاد کبیر را به عنوان قسیم و هم‌عرض جهاد اصغر و جهاد اکبر قرار می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۷، ۲۹۶/۱۴)، مورد خدشه می‌سازد. به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی دقیق‌تر آن است که نخست جهاد را بر اساس متعلق آن به دو قسم اصلی تقسیم کنیم:

۱. جهاد با دشمن درونی (جهاد اکبر)

۲. جهاد با دشمن بیرونی (که می‌توان آن را به‌طور کلی جهاد اصغر نامید)

سپس، جهاد با دشمن بیرونی خود به دو زیرشاخه اصلی تقسیم می‌شود:

- الف) جهاد سخت (نظامی): مبارزه مسلحانه و قتال در میدان نبرد.
- ب) جهاد نرم (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی): که مصداق اتم و اکمل آن، همان جهاد کبیر

مذکور در سوره فرقان است.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۱۵

بازخوانی دکترین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر

بنابراین، جهاد کبیر قسیم و هم‌عرض جهاد اکبر نیست، بلکه زیرمجموعه جهاد با دشمن بیرونی و در تقابل با جهاد نظامی قرار می‌گیرد.

جایگاه‌شناسی اقسام جهاد در یک نگرش نظام‌واره

مکتب حیات‌بخش اسلام، برای تمامی ابعاد وجودی انسان، اعم از مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، برنامه و راهکار ارائه نموده‌است. فریضه جهاد نیز به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین این مکتب، از این قاعده مستثنی نیست و دارای دامنه‌ای وسیع و نظامی منسجم است. ارائه یک ساختار و نظام معنایی برای این مفهوم، بدون در نظر گرفتن سیر تطور تاریخی و مفهومی آن در کتاب و سنت، میسر نخواهد بود.

مفهوم جهاد در بستر زمانی صدر اسلام، یک تطور معنایی را تجربه کرد. در دوران مکه، با توجه به شرایط دشوار مسلمانان، جهاد اساساً در قالب صبر و استقامت و مبارزه تبیینی و فرهنگی در برابر فشار مشرکان تبلور می‌یافت. این همان مرحله‌ای است که آیه جهاد کبیر در آن نازل شد. پس از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، با تغییر شرایط، خداوند اجازه مقابله نظامی را صادر فرمود و جهاد در معنای قتال تجلی یافت.

در چنین فضایی که نبردهای سنگین با دشمنان اسلام به مصداق بارز جهاد تبدیل شده بود، پیامبر اکرم ﷺ پس از بازگشت رزمندگان از یکی از غزوات، با نطقی تاریخ‌ساز، افق جدیدی را در فهم این فریضه گشودند. ایشان فرمودند: ﴿مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ﴾ (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱۲/۵). این حدیث، یک تقسیم‌بندی دوتایی بنیادین را پایه‌گذاری کرد: جهاد اصغر (جنگ با دشمن خارجی) و جهاد اکبر (نبرد با دشمن درونی).

این تقسیم‌بندی، صرفاً یک دسته‌بندی ظاهری نیست، بلکه بیانگر یک رابطه طولی و زیربنایی است. جهاد اکبر زیربنا و شرط صحت و مقبولیت جهاد اصغر است. چنانکه حضرت امام خمینی ره می‌فرمایند:

«جهاد با نفس، جهاد اکبر است. همه جهادهای دنیا، تابع این جهادند. اگر این جهاد را موفق شدیم، هر جهادی بکنیم جهاد الهی است. اگر اینجا موفق نشدیم، همه‌اش شیطانی است» (موسوی خمینی، ۳/۱۳۷۵).

عمل ظاهری (جهاد اصغر) بدون پشتوانه باطنی و نیت خالصانه (محصول جهاد اکبر)، اصالت و محتوای خود را از دست می‌دهد و به پیکری بی‌جان تبدیل می‌شود. این دو باید دوشادوش یکدیگر حرکت کنند (صدر، بی‌تا/۱۴۲-۱۴۳).

البته باید توجه داشت که حدیث نبوی، لزوماً در مقام بیان تمام اقسام جهاد (تقسیم حاصر) نیست، بلکه ممکن است در مقام بیان نسبت ارزشی یا نسبت از حیث سختی و دشواری میان این دو نوع جهاد باشد. یعنی جهاد با نفس از جهاد با دشمن بیرونی، هم ارزشمندتر و هم دشوارتر است. با این حال، این دوگانه (اکبر / اصغر) به‌عنوان چارچوب اصلی فهم نظام جهاد در اندیشه اسلامی پذیرفته شده‌است.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در کفتمان انقلاب اسلامی



شماره ۶۳

زمستان

۱۴۰۱

با توجه به مباحث مطرح شده، می توان جهاد کبیر را در این نظام‌واره به این صورت جایابی کرد:

- جهاد کبیر، بخشی از جهاد اصغر (مبارزه با دشمن بیرونی) است.
- وجه تمایز آن با دیگر مصادیق جهاد اصغر، ابزار و میدان آن است که غیرنظامی و در عرصه‌های نرم (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...) می باشد.
- مصداق بارز آن، عدم اطاعت و مقاومت فعال در برابر نظام کفر با ابزار قرآن و منطق استوار است.
- این جهاد، اگرچه در دسته اصغر جای می گیرد، اما به دلیل عظمت و سختی، با صفت کبیر توصیف شده است و از حیث اهمیت و تأثیرگذاری، می تواند هم تراز جهاد اکبر قرار گیرد.

جایابی جهاد کبیر در منظومه اقسام جهاد

برای تعیین دقیق جایگاه جهاد کبیر در ساختار مفهومی جهاد، ابتدا باید یک چارچوب طبقه بندی منسجم ارائه داد. با عنایت به ماهیت واژه جهاد که از باب مفاعله بوده و دلالت بر تقابل و مبارزه‌ای دوسویه دارد، بهترین معیار برای تقسیم بندی، متعلق جهاد یا به عبارتی دشمن طرف مقابل است. این رویکرد، ما را به یک تقسیم بندی دوتایی بنیادین رهنمون می سازد:

۱. جهاد با دشمن درونی: مبارزه با خصم باطنی، یعنی نفس اماره و وسوسه های شیطانی. این همان مجاهدتی است که در حدیث مشهور نبوی، جهاد اکبر نامیده شده و زیربنای تمامی مجاهدت های دیگر است.

۲. جهاد با دشمن بیرونی: مبارزه با خصم خارجی که در قالب کفر، شرک، نفاق و استکبار تجلی می یابد. این عرصه وسیع، در همان حدیث، به عنوان جهاد اصغر معرفی شده است. این تقسیم دوگانه، یک نگرش شاخه-درختی را پیش روی ما قرار می دهد. جهاد به مثابه تنه اصلی، به دو شاخه کلان اکبر و اصغر منشعب می شود و هر یک از این دو شاخه، خود دارای زیرشاخه های متعدد و متنوعی هستند.

بر خلاف تصور رای که جهاد اصغر را صرفاً به معنای نبرد نظامی محدود می کند، این برداشت، موجب تضییق گستره معنایی وسیع آن می شود. جهاد اصغر یا مبارزه با دشمن خارجی، خود دارای ابزارها، عرصه ها و مصادیق گوناگونی است که متناسب با شرایط زمانی و مکانی، ظهور و بروز می یابد. روایات نیز این گستردگی را تأیید می کنند. رسول اکرم ﷺ می فرمایند: «جَاهِدُوا الْكُفَّارَ بِأَدْيِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ» (ابن حنبل، بی تا، ۱۲۴/۳). این حدیث، سه ابزار اصلی جهاد با دشمن خارجی را برمی شمارد: دست (قدرت سخت و نظامی)، زبان (قدرت تبیین و فرهنگ) و مال (قدرت اقتصادی).



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۱۷

بازخوانی دکترین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر



بر این اساس، جهاد اصغر را می‌توان به اقسام متعددی تقسیم کرد، از جمله: جهاد نظامی، جهاد اقتصادی، جهاد سیاسی، جهاد علمی و جهاد فرهنگی. در این منظومه، جهاد کبیر دقیقاً در کجای این ساختار قرار می‌گیرد؟

با توجه به تحلیل‌های پیشین، به‌ویژه نزول آیه در مکه (پیش از تشریع جهاد نظامی) و هم‌نشینی آن با عدم اطاعت از کافران، روشن می‌شود که جهاد کبیر مصداق اتم و اکمل جهاد غیرنظامی و به‌طور خاص، جهاد فرهنگی-سیاسی است. این جهاد، نبرد در میدان جنگ اراده‌ها است؛ نبردی که با ابزار قرآن و منطق وحیانی، در برابر تهاجم فکری و فشار سیاسی دشمن صورت می‌گیرد. بنابراین:

- جهاد کبیر قسیم و هم‌عرض جهاد اکبر نیست.
- جهاد کبیر زیرمجموعه و شاخه‌ای از جهاد اصغر (مبارزه با دشمن بیرونی) است.
- توصیف آن به صفت کبیر (بزرگ)، نه به معنای بزرگ‌تر بودن از جهاد اکبر، بلکه به دلیل عظمت، اهمیت راهبردی و دشواری فوق‌العاده آن در مقایسه با سایر عرصه‌های جهاد نرم است.
- در لسان برخی عرفا، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای نیز مطرح شده است که در آن، جهاد با نفس را جهاد اوسط و جهاد با شیطان را جهاد اکبر می‌دانند (سید حیدر آملی، ۱۴۲۴ق: ۳۰۲-۳۰۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۶). این تقسیم‌بندی، ناظر به مراتب دقیق‌تر مجاهدت درونی است و با تقسیم‌بندی کلان اکبر / اصغر که ناظر به دشمن درونی / بیرونی است، منافاتی ندارد و هر کدام در جایگاه خود معتبر است.

نقش راهبردی جهاد کبیر در مهندسی نظریه مقاومت

یکی از کلیدی‌ترین و پرتکرارترین مفاهیم در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی، کلیدواژه مقاومت است که به‌عنوان راهبرد اصلی در برابر سلطه‌پذیری و استکبار جهانی مطرح می‌شود. توصیه راهبردی ایشان، ارتقای این مفهوم از یک تاکتیک دفاعی به یک نظریه جامع و عملیاتی است؛ نظریه‌ای که قابلیت گفتمان‌سازی، شبکه‌سازی و جریان‌سازی را نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جغرافیای جهان اسلام و برای همه ملت‌های آزاده داراست.

در این میان، جهاد کبیر به مثابه قلب تپنده و موتور محرک این نظریه عمل می‌کند. اگر نظریه مقاومت، نقشه راه است، جهاد کبیر روش اجرای آن نقشه است. جهاد کبیر، به معنای استقامت فعال و نفوذناپذیری در برابر فشارهای سیاسی و تهاجم فرهنگی دشمن، دقیقاً همان ترجمان عملیاتی و قرآنی نظریه مقاومت است.

تجربیات موفق دهه‌های اخیر، از پیروزی انقلاب اسلامی گرفته تا موفقیت‌های جبهه مقاومت در برابر پروژه‌های استکباری نظیر داعش، و از همه مهم‌تر، تشیع میلیونی و تاریخ‌ساز پیکر سردار مقاومت، شهید حاج قاسم سلیمانی، به وضوح نشان می‌دهد که نظریه مقاومت، یک آرمان انتزاعی نیست، بلکه یک حقیقت عینی و کارآمد است. این تجارب اثبات کرده‌اند که در صورت مجاهدت جوانان انقلابی در

عرصه‌های مختلف، می‌توان شاهد شکل‌گیری یک جریان جهانی و مردمی مقاومت بود که منافع نظام سلطه را در سراسر گیتی به چالش کشیده و معادلات بین‌المللی را به سود مستضعفان عالم تغییر دهد.

بنابراین، ضروری است که با تکیه بر مفهوم راهبردی جهاد کبیر، به عمق‌بخشی و درونی‌سازی نظریه مقاومت در تمام سطوح جامعه پردازیم و آن را از حوزه سیاست خارجی فراتر ببریم. این امر مستلزم بازتعریف و تبیین دقیق ابعاد زیر است:

- مقاومت سیاسی: مبتنی بر اصل عدم اطاعت از کافران و نفی هرگونه سلطه‌پذیری.
- مقاومت فرهنگی-اجتماعی: مبتنی بر جهاد تبیین با ابزار قرآن و منطق برای مقابله با جنگ نرم دشمن.

- مقاومت اقتصادی: مبتنی بر قطع وابستگی و تلاش برای خودکفایی و اقتصاد مقاومتی.

تحقق این ابعاد، مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی را در جغرافیای داخلی و خارجی عمق بخشیده و مسیر ایستادگی موفقیت‌آمیز در برابر جنگ ترکیبی تمام‌عیار دشمن را هموار می‌سازد.

تجلی جهاد کبیر در سیره نبوی (ص)

سراسر حیات طیبه پیامبر اکرم (ص)، به‌ویژه در دوران ۱۳ ساله مکه، کارگاهی عملی برای آموزش جهاد کبیر است. ایشان در شرایطی که هیچ قدرت نظامی و دولتی در اختیار نداشتند، با اتکا به قدرت قرآن و استقامت بی‌نظیر، مبارزه‌ای همه‌جانبه را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی علیه جبهه کفر و شرک به پیش بردند.

یکی از درخشان‌ترین و گویاترین مصادیق این جهاد، موضع‌گیری قاطع و سرنوشت‌ساز ایشان در برابر پیشنهاد تطمیع‌آمیز و تهدیدآمیز سران قریش است. هنگامی که مشرکان از طریق جناب ابوطالب، پیامبر (ص) را تحت فشار قرار دادند تا از دعوت خود دست بردارد و در مقابل، حاضر به اعطای پادشاهی، ثروت و ریاست بودند، ایشان با قاطعیت تمام، این راهبرد قرآنی را به نمایش گذاشتند. پاسخ تاریخی پیامبر (ص) که در منابع شیعه و سنی ثبت‌شده، منشور جاودانه جهاد کبیر است:

«يَا عَمَّ وَاللَّهِ لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ فِي يَسَارِي عَلَى أَنْ أَتْرُكَ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ أَوْ أَهْلِكَ فِيهِ مَا تَرَكْتُهُ» (قمی، ۱۳۶۳، ۲/۲۲۹؛ این هشام، بی‌تا، ۱/۲۶۶): عمو جان! به خدا سوگند، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند تا از این امر (رسالت) دست بردارم، هرگز چنین نخواهم کرد؛ تا آنکه خداوند دینش را پیروز گرداند یا در این راه جان دهم.

این پاسخ، صرفاً یک جمله احساسی نیست، بلکه تبیین دقیق استراتژی جهاد کبیر است:

- عدم اطاعت مطلق از خواسته‌های جبهه کفر (مَا تَرَكْتُهُ).
- پافشاری بر اصول و مبانی تا رسیدن به پیروزی نهایی (حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ).



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۱۹

بازخوانی دکترین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر

- آمادگی برای پرداخت هر هزینه‌ای، حتی فدا کردن جان در این مسیر (أَوْ أَهْلِكَ فِيهِ).
- این موضع‌گیری، نمونه‌ای بارز از مبارزه در میدان جنگ اراده‌ها بود که در نهایت، اراده پولادین پیامبر (ص) متکی به وحی الهی، بر اراده سست سران شرک فائق آمد و مسیر تاریخ را دگرگون ساخت.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در کفتمان انقلاب اسلامی



شماره ۶۳

زمستان

۱۴۰۱

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف واکاوی ماهیت و جایگاه جهاد کبیر و تبیین نقش محوری آن در نظریه مقاومت به نتایج زیر دست‌یافت:

۱. **ماهیت و جایگاه:** جهاد کبیر که در آیه ۵۲ سوره فرقان مطرح‌شده، بر خلاف تصور اولیه، قسیم و هم‌عرض جهاد اکبر (مبارزه با نفس) نیست. بلکه با توجه به متعلق آن (کافران) و ابزارش (قرآن و عدم اطاعت)، مصداق اتم و اکمل جهاد فرهنگی-سیاسی و یکی از زیرشاخه‌های اصلی جهاد اصغر (مبارزه با دشمن بیرونی) محسوب می‌شود. توصیف آن به صفت کبیر نه به معنای برتری ارزشی بر جهاد اکبر، بلکه به دلیل عظمت، صعوبت و اهمیت راهبردی آن در حفظ کیان امت اسلامی در برابر تهاجم غیرنظامی دشمن است. این جهاد، نبردی در عرصه جنگ اراده‌ها است که سنگ بنای آن نفوذناپذیری و پایداری فعال است.

۲. **پیوند با نظریه مقاومت:** جهاد کبیر صرفاً یک مفهوم تفسیری نیست، بلکه یک دکترین راهبردی و ترجمان عملیاتی نظریه مقاومت است. اگر مقاومت، نقشه کلان مقابله با نظام سلطه است، جهاد کبیر، روش و سازوکار اجرای آن نقشه در تمامی عرصه‌هاست. این راهبرد، مقاومت را از یک کنش انفعالی و تدافعی صرف، به یک حرکت فعال، هوشمند و مبتکرانه برای خنثی‌سازی راهبردهای دشمن ارتقا می‌دهد.

۳. **گستره و ابعاد:** دامنه جهاد کبیر محدود به یک حوزه خاص نیست و در تمامی ساحت‌های حیات اجتماعی که امکان تقابل اراده حق و باطل وجود دارد، جریان می‌یابد. **مقاومت سیاسی** (نفی سلطه‌پذیری)، **مقاومت فرهنگی** (جهاد تبیین و مقابله با جنگ نرم) و **مقاومت اقتصادی** (اقتصاد مقاومتی و قطع وابستگی)، همگی از تجلیات و مصادیق این جهاد بزرگ قرآنی هستند.

در یک کلام، جهاد کبیر راهبرد قرآنی برای گذار از مقاومت بقا به مقاومت پیشرفت و کلید واژه تغییر معادلات قدرت به نفع جبهه حق در دوران معاصر است.

پیشنهادهای

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهایی در دو سطح پژوهشی و اجرایی ارائه می‌گردد:

الف) پیشنهادهای پژوهشی:

۱. **انجام تحقیقات تطبیقی:** پیشنهاد می‌شود پژوهشی تطبیقی میان مفهوم جهاد کبیر در اسلام و مفاهیم مشابهی همچون مقاومت مدنی (Civil Resistance) یا نافرمانی مدنی



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



بازخوانی دکترین
مقاومت در پرتو
راهبرد قرآنی جهاد
کبیر



(Civil Disobedience) در اندیشه سیاسی غرب صورت گیرد تا وجوه اشتراک و افتراق، و مزیت‌های راهبردی الگوی قرآنی تبیین گردد.

۲. **مطالعات مصداقی و تاریخی:** تحقیق در خصوص مصادیق عینی جهاد کبیر در تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب اسلامی (مانند دوران مبارزات امام خمینی (ره)، مقاومت در برابر تحریم‌ها، و مجاهدت‌های علمی) می‌تواند به عینیت‌بخشی و الگوسازی از این مفهوم کمک شایانی نماید.
۳. **بررسی فقهی ابعاد جهاد کبیر:** لازم است فقها و پژوهشگران حوزوی به تبیین ابعاد فقهی، الزامات، شرایط و احکام مرتبط با جهاد کبیر به‌عنوان یک فریضه اجتماعی بپردازند.

(ب) پیشنهاد های اجرایی و راهبردی:

۱. **گفتمان‌سازی و ترویج:** دستگاه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و آموزشی کشور (به‌ویژه صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و وزارت آموزش و پرورش) موظف‌اند با تولید محتوای فاخر و هنرمندانه (فیلم، مستند، کتاب، و محتوای درسی)، به گفتمان‌سازی و تبیین ابعاد جهاد کبیر برای عموم مردم، به‌ویژه نسل جوان، بپردازند.
۲. **تدوین سند راهبردی:** پیشنهاد می‌شود شورای عالی انقلاب فرهنگی یا نهادهای راهبردی مشابه، با بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان حوزوی و دانشگاهی، **سند راهبردی جهاد کبیر** را به‌عنوان یک سند بالادستی برای هماهنگ‌سازی سیاست‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور در راستای تحقق مقاومت فعال، تدوین و ابلاغ نمایند.
۳. **تقویت نهادهای متولی:** لازم است نهادهای مسئول در عرصه‌های جنگ نرم و جهاد تبیین، با رویکرد جهاد کبیر بازمهندسی شده و ضمن تأمین منابع و اختیارات لازم، به‌صورت تخصصی و تهاجمی در برابر راهبردهای دشمن در حوزه‌های مختلف عمل کنند و صرفاً به اقدامات پدافندی و انفعالی اکتفا ننمایند.

جدول تحلیلی: مقایسه سه گانه جهاد اکبر، جهاد اصغر و جهاد کبیر

مصادیق و اقدامات کلیدی	تبیین راهبرد (ترجمان عملیاتی)	اصل قرآنی حاکم (از آیه ۵۲ فرقان)	عرصه راهبردی
- ایستادگی در برابر فشارهای دیپلماتیک و تحریم‌ها. عدم پذیرش معاهدات و شروط تحمیلی. - تقویت دیپلماسی عزتمندانه و فعال.	نفی هرگونه سلطه‌پذیری و تبعیت از نظام استکبار؛ حفظ استقلال سیاسی و تصمیم‌گیری ملی.	فَلَا تَطِعِ الْكَافِرِينَ	مقاومت سیاسی
- تولید محتوای فاخر مبتنی بر معارف قرآن و اهل بیت. - خنثی‌سازی شایعات و روایت‌های معاند در فضای مجازی. - ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی.	جهاد تبیین؛ مقابله فعال با جنگ نرم دشمن؛ تهاجم فکری و گفتمانی به مبانی لیبرال دموکراسی.	وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ (جهاد با قرآن)	مقاومت فرهنگی
- تقویت تولید ملی و حمایت از کالای ایرانی. - دانش‌بنیان کردن اقتصاد. - مبارزه با فساد و رانت به عنوان موانع جهاد اقتصادی. - خنثی‌سازی اثر تحریم‌ها.	قطع امید از دشمن و تلاش مجاهدانه برای خودکفایی و پیشرفت درون‌زا (اقتصاد مقاومتی).	ترکیب عدم اطاعت و جهاد	مقاومت اقتصادی
- حمایت از نخبگان و شرکت‌های دانش‌بنیان. - سرمایه‌گذاری در علوم راهبردی (هسته‌ای، هوافضا، بیوتکنولوژی). - نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری.	شکستن انحصار علمی دشمن و تلاش برای مرجعیت علمی به‌عنوان ابزار قدرت و استقلال.	ترکیب عدم اطاعت و جهاد	مقاومت علمی

جدول تحلیلی: ابعاد عملیاتی جهاد کبیر در نظریه مقاومت

جهاد کبیر (به‌عنوان مصداق اتم جهاد اصغر)	جهاد اصغر (در معنای عام)	جهاد اکبر	شاخص مقایسه
فرقان، ۵۲: فَلَا تَطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ ...	آیات متعدد قتال و انفاق (مانند توبه: ۴۱، صف: ۱۱)	حدیث نبوی: مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قُضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ ...	آیه / روایت شاخص
کافران و نظام سلطه (دشمن بیرونی مشخص)	کفر، شرک، نفاق و استکبار (دشمن بیرونی)	نفس آماره و شیطان (دشمن درونی)	متعلق / دشمن
میدان جنگ نرم، جنگ شناختی و جنگ اراده‌ها	عرصه‌های حیات اجتماعی، مرزهای جغرافیایی و فکری	ساحت درونی و نفسانی فرد	میدان نبرد
قرآن، منطق، برهان، جهاد تبیین، هنر و رسانه	قدرت نظامی، بنیه اقتصادی، قدرت سیاسی، توان علمی	تزکیه، تقوا، مراقبه، محاسبه نفس	ابزار اصلی
عدم تبعیت، نفوذناپذیری، پایداری و اقامه حجت	مبارزه و مقابله فعال با دشمن خارجی در تمام ابعاد	خودسازی و مبارزه با رذائل اخلاقی	ماهیت کنش
حفظ استقلال فکری-سیاسی، مرعوب نشدن، تمدن‌سازی	حفظ کیان امت اسلامی، دفع ظلم، اقامه قسط	رسیدن به قرب الهی و فلاح فردی	هدف غایی
زیرمجموعه و مصداق خاص و راهبردی جهاد اصغر	روبنای اجتماعی و دفاعی که بر جهاد اکبر استوار است	زیربنای تمامی جهادها و شرط صحت جهاد اصغر	رابطه ساختاری



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



بازخوانی دکترین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر



- قرآن کریم.
- (۱) ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ ق). تفسیر القرآن العظیم. تحقیق: اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی: مکتبۂ نزار مصطفی الباز.
- (۲) ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ ق) عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیۃ، قم، اول.
- (۳) ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ق) تفسیر القرآن العظیم، مکتبۂ نزار مصطفی الباز، ریاض، سوم.
- (۴) ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷) النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، قم، چهارم.
- (۵) ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی تا) الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، اول.
- (۶) ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۳۷۶) الأمالی، تهران، ششم.
- (۷) -----، (شیخ صدوق)، (۱۴۰۳ ق) معانی الأخبار، قم، اول.
- (۸) ابن حنبل، احمد، (بی تا) المسند، بیروت، دار صادر.
- (۹) ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق) معجم مقاییس اللغة - قم، اول.
- (۱۰) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ ق) عده الداعی و نجاح الساعی، اول.
- (۱۱) ابوالسعود، محمد بن محمد. (بی تا). ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم (تفسیر آبی آل سعود). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- (۱۲) ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ ق) البحر المحیط فی التفسیر، ۱۱ جلد، دارالفکر، بیروت، اول.
- (۱۳) آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶ جلد، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، لبنان، بیروت، اول.
- (۱۴) آملی، سید حیدر، (۱۴۲۴ ق) أسرار الشریعه و أطوار الطریقه و أنوار الحقیقه، تنقیح: رضا محمد حدرج، ۱ جلد، دار الہادی، بیروت، اول.
- (۱۵) بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: انتشارات صدر.
- (۱۶) پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲) نه الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و اله) - تهران، چهارم.
- (۱۷) جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳) حیات عارفانه امام علی علیه السلام، قم، اسراء، سوم.
- (۱۸) جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ق) الصباح - تا اللغة و صحاح العربیه، ۶ جلد، دارالعلم للملایین، بیروت، اول.

۱۹) حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق) وسائل الشیعه، قم، اول.

۲۰) خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۵) بیانات در مراسم سالگرد ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی، چهارده خرداد ۱۳۹۵.

۲۱) -----، (۱۳۷۶) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از بسیجیان، ۰۵/۰۹/۱۳۷۶.

۲۲) -----، (۱۳۹۵) بیانات در دیدار با دانش‌آموختگان افسری دانشگاه امام حسین، سوم خرداد ۱۳۹۵.

۲۳) -----، (۱۳۹۷) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲/۰۸/۱۳۹۷.

۲۴) خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۵). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲۵) -----، (۱۳۷۵) جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۲۶) -----، (۱۳۷۸) صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.

۲۷) دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۲). بازتاب انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۸) راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالعلم-الدار الشامیة.

۲۹) رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷) تفسیر قرآن مهر، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، قم، اول.

۳۰) زحیلی، وهبه مصطفی، (۱۹۸۱ م) آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، دمشق.

۳۱) -----، (۱۴۱۱ ق) التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دارالفکر، دمشق، دوم.

۳۲) زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۷ ق) الفائق فی غریب الحدیث، بیروت، اول.

۳۳) سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله. (۱۴۱۹ ق). الجدید فی تفسیر القرآن المجید. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

۳۴) سمین، احمد بن یوسف، (۱۴۱۴ ق) عمده الحفاظ فی تفسیر أشرف الألفاظ، عالم الکتب، بیروت، اول.

۳۵) سیوطی، عبدالرحمن، (۱۴۰۴ ق) الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۶ جلد، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، اول.

۳۶) صدر، محمدباقر، (بی‌تا) المدرسة القرآنیة، ۱ جلد، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، اول.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۲۵

بازخوانی دکترین

مقاومت در پرتو

راهبرد قرآنی جهاد

کبیر



- (۳۷) صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۴ ق). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۳۸) طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۰ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، دوم.
- (۳۹) طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، سوم.
- (۴۰) طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق) جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، اول.
- (۴۱) طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵ ش) مجمع البحرین، تهران، سوم.
- (۴۲) طوسی، محمد بن حسن، (بی تا) التبیان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، لبنان، بیروت، اول.
- (۴۳) عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ ق) الفروق فی الله، بیروت، اول.
- (۴۴) فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ ق) کتاب العین - قم، دوم.
- (۴۵) فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۸ ق). الأصفی فی تفسیر القرآن. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۴۶) فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق) المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير - قم، دوم.
- (۴۷) قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴) الجامع لأحكام القرآن، ناصر خسرو، تهران، اول.
- (۴۸) قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳) تفسیر القمی، دار الكتاب، قم، سوم.
- (۴۹) کبیر مدنی شیرازی، سیدعلی خان، (۱۳۸۴) الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد، اول.
- (۵۰) کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: علیاکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- (۵۱) مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق) بحار الأنوار (ط- بیروت) - بیروت، دوم.
- (۵۲) -----، (۱۴۰۴ ق) مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دوم.
- (۵۳) مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ ق) من هدی القرآن، دار محبی الحسین، تهران، اول.
- (۵۴) مسلم بن حجاج، (۱۹۸۱/۱۴۰۱) صحیح مسلم، چاپ محمد فؤاد عبدالباقی، استانبول.
- (۵۵) مشکینی اردبیلی، علی، (۱۳۸۱) ترجمه قرآن، نشر الهادی، قم، دوم.
- (۵۶) مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق) الاختصاص، قم، اول.
- (۵۷) مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ ق) تفسیر مقاتل بن سلیمان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، اول.
- (۵۸) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱) تفسیر نمونه، دار الكتب الإسلامية، تهران، دهم.
- (۵۹) ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ ق) مجموعه ورام، قم، اول.